

باززنده‌سازی خاطرات جمعی در بازسازی پس از بلایای طبیعی و ... با تکیه بر هویت مکان

آتوسا مدیری* / آلاله اشرفی زنجانی**

۱۳۹۲/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۲/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

مقاله حاضر باززنده سازی خاطرات جمعی و تأثیرات آن در بهبود هویت مکانی از دست رفته ناشی از بلایایی همچون جنگ یا بلایای طبیعی را که به طور غیر منتظره‌ای باعث خدشه دار شدن مسیر معمول تکامل اجتماعی کالبدی یک منطقه می‌شود، بررسی می‌نماید، هویتی که نتیجه درونی شدن هویت یک مکان برای فرد بوده است و نتیجه آن تعلقات احساسی میان فرد با محیط زندگی او می‌باشد. موريس هالبواکس مهم ترین نظریه پرداز خاطره جمعی با تأکید بر ارتباط میان گروه‌ها و مکان، معتقد است هنگامی که اعضای یک گروه در بخشی از فضا قرار می‌گیرند، خصوصیات گروه به فضا منتقل شده و همزمان، نوعی تطبیق با عناصر مقاوم صورت می‌گیرد و یک قالب مشخص به ساختار آن فضا تعمیق می‌گردد. لذا مکان‌ها حافظه افراد داخل خود را که دارای گذشته‌ای مشترک هستند تحریک می‌کنند و هم زمان، گذشته‌های مشترک افراد بیرون از خود را که مایل به دانستن چیزی در مورد آن‌ها هستند، باز می‌نمایانند. در نتیجه حافظه که موضوعی مکان گرا است، زمانی که بر اثر بلایای طبیعی و... بستر شکل‌گیری آن از میان می‌رود و یا مخدوش می‌شود؛ این ویژگی مکان برای همیشه از دست می‌رود. بنابراین حافظه مکان وابسته به مکان و جامعه‌ای است که به واسطه ارتباط با مکان واجد هویتی پیوسته شده است.

از این رو مقاله با تکیه بر نقش هویت مکان در شکل‌گیری خاطرات به‌عنوان زیر بنای هویت‌های فردی و جمعی در یک جامعه و ارتباط متقابل خاطرات با میزان پیوندهای احساسی افراد با محیط از نوع هویت مکانی و تعلق مکانی، در ابعاد مختلف شکل دهنده یک مکان، اعم از فرم، فعالیت و تصورات به بیان سه استراتژی حفاظت و مرمت، بازخوانی و برنامه‌ریزی رویدادی می‌پردازد. این مقاله با روشی مروری و تحلیل کیفی بر مبنای استراتژی‌های تجربی، در نهایت رویکردهای معقول در باززنده سازی خاطرات جمعی را در پروژه‌های بازسازی پس از بلایا تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: بلایا، خاطره جمعی، هویت مکان، هویت مکانی، بازسازی.

* استادیار گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز. at_modiri@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

مقدمه

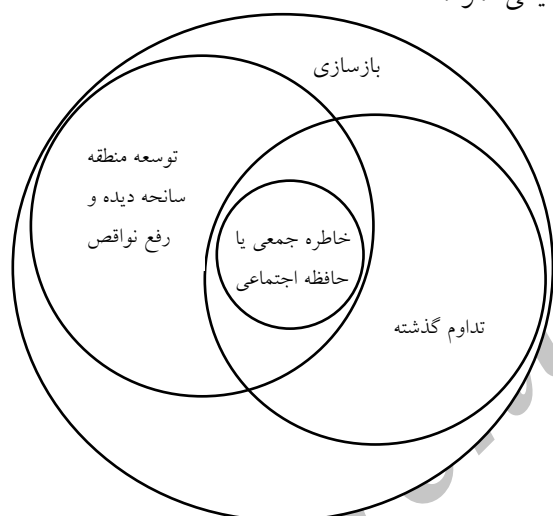
با وقوع هر بلای طبیعی، آنچه که بیشتر مورد توجه رسانه‌ها و مسئولین قرار می‌گیرد خاکسپاری کشته‌ها و بازسازی ساختمان‌های تخریب شده است و کمتر کسی به اثرات ماندگارتری که یک سانحه بر جای می‌گذارد توجه کرده است.

مباحثی همچون هویت مکان که بستر خاطرات شهروندان است، پس از وقوع بلایا و از دست رفتن کالبد مکان، مورد غفلت قرار گرفته و یا با بازسازی‌های شتاب زده موجب اختلال در تداوم هویت مکانی آن‌ها می‌شوند.

در این میان بازسازی نیز تنها در مجموعه عواملی که سعی در حفظ و بهبود وضعیت کالبدی شهر دارند، خلاصه نمی‌شود. نکته مهم زنده نگه داشتن فضای شهری و انطباق آن با رفتار و فعالیت اجتماعی شهروندان در دوران حاضر می‌باشد. در این اقدامات فضای شهری جدیدی حادث می‌شود که ضمن حفظ شباهت‌های اساسی با فضای پیشین، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با توجه به شرایط زمانی و مکانی حاضر (دوران معاصر)، با فضای پیشین در ارتباط با مخاطبان خود به نمایش می‌گذارد. آنچه که در این فرآیند حائز اهمیت است تأثیر این بازسازی‌ها و مرمت‌ها در محیط به‌منظور حضور مجدد انسان و تقویت ریشه فعالیت‌های مردمی و اجتماعی در عرصه فضای شهری و محلی می‌باشد.

نگاهی بر تجربیات بازسازی‌های انجام گرفته چه در مقیاس جهانی و چه در مقیاس ایرانی نشان می‌دهد که تا چه اندازه این تجربه‌ها از توجه به فضاهای شهری خاطره‌ای غافل بوده و تا چه اندازه از این منظر که "شهر خاطره را می‌سازد و خاطره به شهر شکل می‌بخشد" دور بودند.

در واقع بازسازی و حیات اجتماعی جامعه در تداوم گذشته آن امکان‌پذیر است. بلایای طبیعی در نگاه اول گسست بنیادی از دوران گذشته خود را تداعی می‌کنند، در اولین روزها به‌نظر می‌رسد که هیچ چیز باقی نمانده است تا بتوان بر آن اتکا کرد اما با گذر از وحشت اولیه، همه درمی‌یابند که جامعه آسیب‌دیده از بلایا، پدیده‌ای زمان‌مند و متکی به عناصری است که در طی سالیان دراز شکل گرفته است. در نتیجه در بازسازی یک فضای شهری زلزله‌زده و رای پرداختن به مقولات عملکردی و عینی، با مدیریت کیفیات غیرمحسوس محیط مانند معانی، حافظه جمعی، هویت مکانی و ...، می‌توان به بازگرداندن هویت از دست رفته آن، کمک‌های شایانی نمود.



ن ۱. تبیین مسئله پژوهش

خاطره جمعی امری است توضیح دهنده تداوم در عین تغییر.

پرسش اصلی تحقیق

رویکردها و استراتژی‌های باززنده سازی خاطرات

جمعی در بازسازی چه می‌تواند باشد؟

مکان یک مفهوم انتزاعی و ذهنی نیست، بلکه اولین قرارگاه ارتباط مستقیم با جهان و محل زندگی انسان است، به همین دلیل سرشار از معنا، واقعیت‌های کالبدی و تجربه‌های انسانی بوده و رابطه عاطفی عمیقی با انسان برقرار می‌کند (Relph, 2007, 120). مکان مفهومی بیش از موقعیت یا خاستگاه دارد و با معنا و احساسات بشری آمیخته است و همین مفهوم، تفاوت میان مکان و فضا^۳ را مشخص می‌کند. به تعبیر دیگر مکان ترکیبی است از خاطره، تجارب حسی و روایت‌ها، اما فضا یک موقعیت جغرافیایی است که می‌توان آن را با مشخصات رقومی مانند طول و عرض جغرافیایی معرفی کرد (Hague, 2005, 5). در واقع مکان‌ها ذاتاً پایگاه‌های معنایی هستند که در طول زندگی بر اساس رویدادی شکل گرفته‌اند، با آغشتن آن‌ها با معنا، افراد و گروه‌ها یا جوامع، فضا به مکان تغییر می‌کند (Carmona, 2006, 97). معنای مکان در تصویرهای ذهنی و خاطرات مردم شکل می‌گیرد و مؤثرترین عامل در هویت مکان می‌باشد. تا زمانی که معنای مکان در ساختار فیزیکی ذهنی و فعالیت‌هایی که در آن رخ می‌دهد جستجو شود، چیزی یافت نمی‌شود، بلکه باید معنا را در تصویرهای ذهنی و تجربه‌های انسان از مکان جستجو کرد. در واقع مکان‌ها نقش حیاتی در جهت توسعه و حفظ هویت فردی و گروهی مردم بازی می‌کنند. تصویر ذهنی برای فرد فقط مربوط به زمان حال نبوده بلکه با تصورات ذهنی وی از گذشته و آینده ترکیب شده و ایجاد خاطراتی از گذشته و توقعاتی از آینده می‌نماید. کل مجموعه مکان‌ها، محیط زندگی ما را تشکیل می‌دهد. تجارب مردم از مکان‌ها، باگذشت زمان از طریق خاطرات مکان‌ها که با گذشته افراد در ارتباط است یا از طریق استفاده مکرر از همان مکان‌ها، در طول زمان

با آن‌ها باقی می‌ماند. تجارب کسب شده از مکان به تدریج در ذهن افراد جمع شده و در ترکیب با هم در فیلتر ادراکی، یکپارچه و منسجم می‌شوند که بخشی از این فیلتر ادراکی از ارزشها و ایده‌های شخصی و بخشی نیز از هویت‌ها و عوامل فرهنگی وسیع‌تری سرچشمه می‌گیرند. برای دستیابی به مکان‌های موفق می‌باید دیدگاه وسیع‌تری از توجه صرف به جنبه‌های فیزیکی مکان‌ها اتخاذ نمود، دیدگاهی که با جنبه‌های روان‌شناسانه، فرهنگی و اجتماعی مکان ترکیب شده باشند. بنابراین ترکیبی از ۳ جنبه اساسی، مشتمل بر جنبه‌های فیزیکی مکان، تجارب حسی و فعالیتها ("فعالیت"^۴)، "تصویر ذهنی"^۵ و "فرم"^۶) باید مورد توجه قرار گیرد (Montgomery, 1998, 95-96).

در نتیجه تدوین استراتژی‌های مربوط به باززنده سازی خاطرات جمعی نیز براساس تمامی ابعاد تشکیل دهنده مکان صورت خواهد گرفت.

هویت مکان^۷ و هویت مکانی^۸

از ترکیب واژه مکان و هویت، دو واژه هویت مکان و هویت مکانی سربر می‌آورند. در معنی اول هویت به واژه مکان اشاره می‌کند و یعنی مجموعه‌ای از ویژگی‌های مکانی که تمایز و پیوستگی مکان در زمان را عهده دار هستند و به ویژگی‌های قابل تشخیص مکان بیرونی اشاره دارد، اما هویت مکانی نتیجه ذهنی شدن هویت مکان برای یک فرد یا جمع است به طوری که زیربنای هویت جمعی یا فردی آنان گردد، در واقع آن ابعادی از خود که هویت شخصی خود را در ارتباط با محیط فیزیکی تعریف می‌کند.

این مفهوم به همراه مفهوم دیگری همچون "تعلق مکانی" به پیوندهای احساسی افراد با مکان‌ها اشاره می‌کند که روشن‌کننده چگونگی ارتباط میان مفهوم هویت جمعی و خاطرات جمعی است.

(Lewicka, 2008, 209- 213)

محققان گوناگونی همچون اندرسون^۹ و نوک^{۱۰} بر ارتباط میان خاطره عمومی و هویت جمعی تأکید بسیار داشته اند^{۱۱} و برای آنان یادآوری^{۱۲}، نه تنها ابزار ساده‌ای برای سنت نیست بلکه فعالیتی است که هویت جمعی را به ارمغان می‌آورد. (Reyes, 2010, 222)

وابستگی گروه‌ها به مکان نوعی تعلق مکانی برای آن‌ها محسوب می‌شود که در مقابل تغییرات شهری، جابه‌جایی‌ها و تغییرات موقتی به شدت مقاومت می‌کنند؛ چرا که در پس این جلوه‌های تازه از خانه‌سازی‌ها و شهرسازی‌ها، حیات عمومی گذشته افراد پناه می‌گیرد. (Halbwachs, 1950, 4-5)

تعلقات مکانی اساساً در نتیجه تعامل مردم با مکان، مفاهیم، ساختارها و نشانه‌های مرتبط و متناظر ایجاد شده است و تعلق به یک محیط خاص، از کیفیت‌ها و ویژگی‌های مکان تأثیر می‌گیرد؛ بر این مبنا تعلق مکانی به معنای رابطه هم‌پیوندی میان انسان و محیط از تبعات احراز هویت است و عاملی که این تعلق مکانی را تشدید می‌کند خاطره است و حتی می‌تواند آن را به تعلق خاطر بدل نماید. (قاسمی، ۸۳، ۸۵).

خاطره جمعی^{۱۳} و مکان

واژه خاطره^{۱۴} در لغت نامه دهخدا به صورت زیر تعریف شده است: "اموری که بر شخص گذشته باشد و آثاری از آن در ذهن شخص مانده باشد، گذشته‌های آدمی وقایع گذشته که شخص آن را دیده یا شنیده است. دیده‌های گذشته یا شنیده‌های گذشته."^{۱۵}

نظریه پردازی درباره خاطره جمعی به مثابه یکی از زیر مجموعه‌های جامعه‌شناسی به معنای دقیق آن با کتاب "چهارچوب‌های اجتماعی خاطره"^{۱۶} هالبواکس در سال ۱۹۶۱ و همچنین کتاب دیگر وی "خاطره جمعی" که پس از مرگش انتشار یافت، آغاز شد.

موریس هالبواکس^{۱۷} (۱۹۹۵-۱۸۷۷) نخستین فردی است که تلاش کرد به شکلی سیستماتیک نشان دهد آن چه که ما از گذشته به یاد می‌آوریم براساس آن چه در اکنون یا حال اهمیت دارد، تعیین می‌شود. او معتقد بود که هر جامعه‌ای نیازمند حس تداوم است و برای این کار ارتباط خود را با گذشته به نمایش می‌گذارد. او معتقد به سرشت جمعی آگاهی اجتماعی بوده و از این رو اعلام می‌کند گذشته جمعی، عاملی است در جهت وحدت بخشی و بازسازی همبستگی اجتماعی در جامعه (Misztal, 2003, 50). وی خاطره را در پیوند با جامعه و کل حیات اجتماعی مطرح می‌کند و برای تبیین آن سعی در کشف و طبقه‌بندی مؤلفه‌های اجتماعی می‌کند که در خاطره دخیل هستند و با تأکید بر ماهیت اجتماعی خاطره دلایل اجتماعی بودن آن را به شرح زیر اعلام می‌دارد:

اول اینکه اغلب خاطرات یک فرد در حضور دیگران و در محل زندگی جمعی شکل گرفته‌اند. دوم: برای به یاد آوردن و گرمی داشتن خاطرات از نقاط مرجع زمانی و مکانی استفاده می‌شود که جنبه اجتماعی دارند، مانند روزهای سال و مراسم و سنت‌های مربوط به آن. سوم: انسان‌ها خاطرات را در کنار هم به یاد می‌آورند. (Paez, 1997, 152)

در ادامه پس از بیان مفاهیم بازسازی، دوباره به مؤلفه‌های هالبواکس جهت تدوین استراتژی‌های باززنده سازی خاطره جمعی باز می‌گردیم. جدول شماره ۱ برخی از دیدگاه‌های مختلف در رابطه با حافظه جمعی و پیامدهای مهم آن در شهرها را نشان می‌دهد.

| صاحب‌نظران | رویکرد | دیدگاه‌ها | مهم‌ترین پیامدها | مؤلفه‌های مکانی |
|------------|-----------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------|
| دورکهایم | کلاسیک | <ul style="list-style-type: none"> - هر نوع جامعه حسن تداوم گذشته را به نمایش می‌گذارد و بدان نیاز دارد. - مراسم و نماد گرایی اشان به‌عنوان وسیله‌ای با اهمیت برای انتقال خاطره جمعی به شمار می‌رود. - حافظه جمعی، نوعی آگاهی جمعی است. - خاطره جمعی، پدیده یا واقعیت اجتماعی است که به افراد و گروه‌ها هویت می‌بخشد. | <p>حسن تداوم گذشته</p> <p>حفظ سرچشمه‌ها و اصالت</p> | تصورات، فعالیت |
| هالیواکس | کلاسیک | <ul style="list-style-type: none"> - خاطره در ارتباط تنگاتنگی با مفهوم مکان قرار دارد و احساسات و بازتاب‌ها مجبور به وصل شدن به مکان هستند. - خاطره جمعی، خاطره اجتماعی است. - گذشته جمعی عاملی است در جهت وحدت بخشی و بازسازی همبستگی اجتماعی در جامعه. - هویت جمعی مقدم بر خاطره است و از این رو هویت اجتماعی است که محتوای خاطره جمعی را تعیین می‌کند و در واقع خاطره یک گروه اعلامیه هویت آن‌ها است. | <p>وحدت بخشی و بازسازی همبستگی اجتماعی در جامعه</p> <p>پیش بردن اهداف سیاسی در حال حاضر</p> | تصورات، فعالیت، کالبد |
| امیلیا تام | پویایی شناسی | <ul style="list-style-type: none"> - زندگی جمعی در طول تاریخ ادامه دارد و منقطع نیست و این احساس که در فرد، جامعه یا اکثریت قاطع جامعه وجود دارد، حافظه جمعی نامیده می‌شود و بعدی غیر ارادی دارد. | <p>احساس تعلق و هویت به یک جامعه را در درون فرد به وجود می‌آورد.</p> | کالبد، تصورات |
| پیتر بورک | حال‌گرا | <ul style="list-style-type: none"> - امکان استفاده سیاسی از حافظه‌های اجتماعی و عمومی - استحکام هویت‌های گروهی | <p>به خاطر آوردن فراموش کردن (به عنوان آسیبی اجتماعی) ساختن جمعی گذشته</p> | تصورات |
| شوارتز | پویایی شناسی خاطره | <ul style="list-style-type: none"> - خاطره برنامه‌ای فرهنگی است که ما را به سمت مقاصدمان هدایت می‌کند، حالات ما را تنظیم می‌کند و ما را قادر به کنش می‌سازد. - توجه به خصلت موقت و زمانمند بودن خاطره، چراکه در غیر این صورت به تقلیل‌گرایی سیاسی دچار شده و در آن خاطره صرفاً در خدمت نظم دهی و بازتولید در نظر گرفته می‌شود. - خاطره جمعی باید با علایق و نیازهای در حال تغییر جامعه هماهنگ شود، امری که توضیح دهنده دوام در عین تغییر باشد. | <p>خاطره جمعی را فرآیندی انحصاربخش است که همزمان هم چهارچوبی است برای معنا به واسطه ابقاء و تضمین ثبات و هویت جامعه و هم چهارچوبی است که امکان تطبیق با تغییرات اجتماعی را فراهم می‌کند.</p> | تصورات، فعالیت |

ج ۱. دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با حافظه جمعی.

مکانی که "نتیجه ذهنی شدن هویت مکان برای فرد یا جمع است"، افراد جامعه از دست رفته‌اند و در مورد استراتژی‌های اصلی نه بازگوکنندگان اجتماعی و فعال باقی مانده‌اند و نه زمینه‌های کالبدی آن.

در نتیجه حافظه نیز که موضوعی مکان گرا است، زمانی که بر اثر بلایایی همچون زلزله یا جنگ و...، بستر شکل‌گیری آن، یعنی کالبد مکانی‌اش از میان می‌رود و یا با بازسازی‌هایی شتاب زده دچار تغییرات مهمی می‌شود، مخدوش گشته و این ویژگی مکان برای همیشه از دست می‌رود. بنابراین حافظه مکان وابسته به مکان و جامعه‌ای است که به واسطه ارتباط با مکان واجد هویتی پیوسته شده است. لذا استراتژی برخورد با مکان‌هایی این چنین باید با گزینش دقیق بر هویت مکانی یا به عبارتی جامعه و مکان و رابطه بهم پیوسته آن‌ها تدوین گردد. در نتیجه، شهری که بستر مناسب برای وقوع رویدادها و تعاملات اجتماعی باشد، پتانسیل بیشتری برای انباشت لایه‌های مختلف خاطرات جمعی خواهد داشت و تأمین این بستر جدید در شهرهای سانحه دیده هم از جنبه اجتماعی و هم از جنبه کالبدی و فضایی، عوامل خاصی را می‌طلبد.

فرآیند بازسازی و ارتقای هویت مکان‌های زلزله زده

پژوهش‌های مربوط به بازسازی در دنیا از میانه دهه هفتاد میلادی آغاز شد و در ایران نیز از هنگام بازسازی ویرانی‌های جنگ در سال ۶۱، پژوهش‌های مربوطه شکل گرفته است (فلاحی، ۸۲، ۲۳-۷)

مفهوم بازسازی در ادبیات برنامه‌ریزی بازسازی به شرح زیر بیان شده است:

"بازسازی عبارت است از جایگزینی ساختارهای تخریب شده، مرمت کامل خدمات و زیرساخت‌های محلی و احیای اقتصاد و غیره که باید در برنامه‌های بلند مدت توسعه گنجانده شود و در آن ابعاد کاهش خطرات

خاطرات جمعی معمولاً از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، در این صورت سابقه سکونت در شهر از عوامل تقویت خاطرات جمعی است. ساکنان قدیمی شهر، خاطرات سکونتگاه خود را به یاد آورده و نقل می‌کنند اما مهاجران و تازه واردان، خاطرات سکونتگاه قبلی خود را برای نسل جدید نقل کرده و از گذشته شهر خاطره‌ای ندارند. به همین دلیل حافظه تاریخی ضعیف‌تر و کم‌رنگ‌تری دارند و نسل جدید صرفاً تجربیات خود را به یاد می‌آورند. این یادآوری از طریق نقل شفاهی خاطرات یا حفظ آثار کالبدی آن‌ها امکان‌پذیر است که از آن می‌توان به‌عنوان حافظه مکان^{۱۸} یاد کرد. در واقع حافظه مکان یکی از عوامل تأثیرگذار بر خاطرات جمعی و محرکی برای شکل دادن به آن از طریق محوطه‌های شهری است. (Lewika, 2008, 123)

از این رو یکی از اصلی‌ترین استراتژی‌های باززنده سازی خاطرات جمعی است.

تغییر در زمینه‌های فیزیکی (کالبدی)، نوع کاربری‌ها و فعالیت‌های خیابان در اثر وقوع حادثه، سبب می‌شود ارزش‌ها، معانی و منحصر به فرد بودن مکان‌ها از بین برود، خصوصاً برای آن دسته از ساکنین که تعلق درازمدت به مکان داشته‌اند. این عامل بزرگ‌ترین تهدید در جهت از بین رفتن هویت مکان است. (رضا زاده، ۸۹، ۸۹-۸۰)

اما نکته بحرانی در تأثیر مخرب سوانح بر حافظه مکان و حافظه جمعی ساکنان جایی مشخص می‌شود که، تغییر و تحولات و تخریب کالبدی شهر، هم بستر شکل‌گیری خاطرات را محو می‌کند و هم ساکنین شهر را از بین می‌برد؛ به عبارتی در مفهوم هویت مکان به عنوان "ویژگی‌های متمایز و قابل تشخیص مکان بیرونی" کالبد از میان رفته است و در مفهوم هویت

به آن بازگشت. از این روی باید از هر فرصتی برای تغییر این روابط استفاده شود. اینک فرصتی که بر اثر جنگ یا بلایای طبیعی پیش آمده است، باید مورد استفاده قرار گیرد تا حالت مطلوبی ساخته شود، که از دید آنان مسلماً با حالت پیش از وقوع جنگ یا بلایای طبیعی تفاوت دارد. (مطوف، ۸۳، ۹۲)

• این دیدگاه را می‌توان از دو منظر متفاوت بررسی کرد:

• اولین منظر، بازسازی فرصتی است مناسب برای ایجاد دگرگونی‌های اساسی و ایجاد تغییرات کلی در شیوه زیست که در نتیجه آن می‌توان ایده‌های نوین و الگوهای مدرن و ایده آل را در بازسازی ایجاد کرد.

- دومین منظر، بازسازی فرصتی است مناسب برای اندیشیدن به توسعه منطقه سانحه دیده و رفع نواقص و نارسایی‌های گذشته؛ لذا در تدوین برنامه‌های بازسازی یک منطقه سانحه دیده می‌باید به افق نسبتاً بلندتری نظر داشت و این برنامه‌ها را در راستای توسعه ملی و منطقه‌ای تدوین نمود. (علیزمانی، ۸۳، ۱۱۴-۱۱۰)

به نظر می‌رسد که دیدگاه اول نگرشی شتاب زده به امر بازسازی داشته و فرصتی را برای شناخت و تحلیل تمامی جوانب امر علی‌الخصوص مسائل فرهنگی و اجتماعی در نظر نمی‌گیرد.

احیای صرف شرایط عادی پیش از سانحه، سبب از دست رفتن فرصت‌های بسیار خوبی می‌شود که پس از سانحه برای استفاده از امکانات موجود مالی و تمایلات سیاسی و اجتماعی در جهت بهبود شرایط زیستی، وضعیت کالبدی و در نتیجه بالا رفتن سطح زندگی مردم و کاهش خطرات آینده پیش می‌آید (همان، ۱۱۰)

با موارد تخفیف خطر ادغام شود. با اجرای بازسازی می‌توان بناهای تخریب شده را عیناً در محل و شکل قبلی جایگزین و دوباره سازی کرد. " (فلاحی، ۸۴، ۸۳)

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون دو دیدگاه نظری عمده در رابطه با توسعه و بازسازی پس از جنگ و بلایای طبیعی توسط پژوهشگران و متفکرین این رشته در سطح جهان ارائه شده است:

• نخستین دیدگاه قائل به "بازسازی سریع و بازگشت به حالت عادی در اسرع وقت ممکن" است. در این دیدگاه بازسازی امری جدا از توسعه تلقی شده و نظر غالب بر این است که باید بدون اتلاف وقت و به‌منظور جلوگیری از تحولات منفی بعدی که بر اثر متروک ماندن امر بازسازی ممکن است اتفاق بیافتد، مانند ترک منطقه توسط مردم ساکن در آن، باید شرایط هرچه سریعتر به حالت پیش از وقوع جنگ یا بلایای طبیعی بازگردانده شود.

در حقیقت هسته اصلی این تفکر، از این اعتقاد تشکیل شده است که جنگ یا بلایای طبیعی، روند عمل و حرکت نظام (سیستم‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و کالبدی) یک منطقه را دچار اختلال و برهم ریختگی می‌سازند. از این روی برای مقابله با این حالت، باید هرچه سریعتر این نظام‌ها را به حالت پیشین بازگرداند تا مردم به روند عادی زندگی خویش بازگردند.

• دومین دیدگاه قائل بر ضرورت استفاده از فرصت‌هایی است که تخریب بر اثر جنگ یا بلایای طبیعی پیش می‌آورد. این دیدگاه به‌منظور دست زدن به اقدامات توسعه‌ای است تا از فرصتی که بازسازی به وجود می‌آورد، برای توسعه استفاده گردد.

از نظر معتقدین به این دیدگاه شرایط پیش از وقوع جنگ یا بلایای طبیعی شرایط مطلوبی نبوده است که باید

اما در دیدگاه دوم فرصت بیشتری برای بررسی تمامی ابعاد تشکیل دهنده یک مکان اعم از کالبد تشکیل دهنده آن، فعالیت، تصورات و خاطرات جمعی فراهم است و با نگاهی عمیق تر و برنامه‌هایی از پیش تدوین شده به بازسازی مناطق خواهد پرداخت. به نظر می‌رسد در این دیدگاه به هویت و تاریخ سکونت‌گاه‌ها، امکانات محلی و دانش بومی به‌عنوان یک ارزش نگریده و نسبت به استفاده و حفظ آن‌ها تأکید می‌گردد، در نتیجه بازسازی فرصتی مغتنم برای توسعه منطقه در راستای توسعه ملی و رفع نواقص و کمبودها و نارسایی‌ها خواهد بود و از اولویت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

در واقع در برنامه‌های بازسازی شهرها و روستاهای آسیب دیده از جنگ و بلایای طبیعی همیشه کشمکش و بحث میان معتقدین به ضرورت حفظ هویت پیش از تخریب شهرها و روستاهایی که بازسازی می‌شود و آنانی که اعتقادی به چنین امری ندارند در می‌گیرد. (مطوف، ۷۸، ۸۶، ۷۷)

در نهایت این دیدگاه‌های به ظاهر متناقض باید به تعادلی در برنامه‌ریزی دست یابند و باید اذعان داشت که هم تغییرات و هم استمرار آنچه وجود داشته است، لازمه بازسازی جامع می‌باشند. به بیان دیگر بازسازی می‌باید به نوعی ادامه روند پیش از سانحه و به موازات اجرای طرح‌های نوین، تلقی شود (فلاحی، ۸۴، ۹۶) و روند بازسازی فضاهای شهری در هر مرحله، باید حفظ و نگهداری خاطرات فردی و جمعی را نیز تأمین کند. میزان تعلق خاطر به محله شهری، زیربنای هویت فردی و جمعی است که با تخریب محلات و کشته شدن همسایگان، خلا هویتی بر بازماندگان مستولی می‌شود؛ به همین دلیل مشاهده می‌شود پس از وقوع زلزله بازماندگان بیش از گذشته احساس تعلق خود را به خانه و محله خویش ابراز می‌کنند. (مطوف، ۸۶، ۷۸)

نیاز شدید و دل‌تنگی آنان به محلات پیشین خود واکنشی است روانی به‌منظور تشدید تعلق خود به محله و تشدید پیوندهای اجتماعی و انسانی میان هم محله‌ای‌ها برای تعاون و همکاری بیشتر برای بازسازی محلات خود و احیای مجدد آن که ضرورتی است حیاتی برای ادامه حیات تک تک آنان. (همان، ۷۸-۷۷)

حفظ خاطرات می‌تواند حس تعلق خاطر به فضا را بیشتر و حس تأثیرگذاری بر فضا را توسط انسان تقویت کند. مردم، علاقه‌مند به حفاظت هویت بوده و باید این امکان فراهم شود که علایق، نیازها و آرزوهای آن‌ها زیربنای تصمیمات و فعالیت‌های مهم در تشخیص هویت مکان و بازسازی آن‌ها باشد.

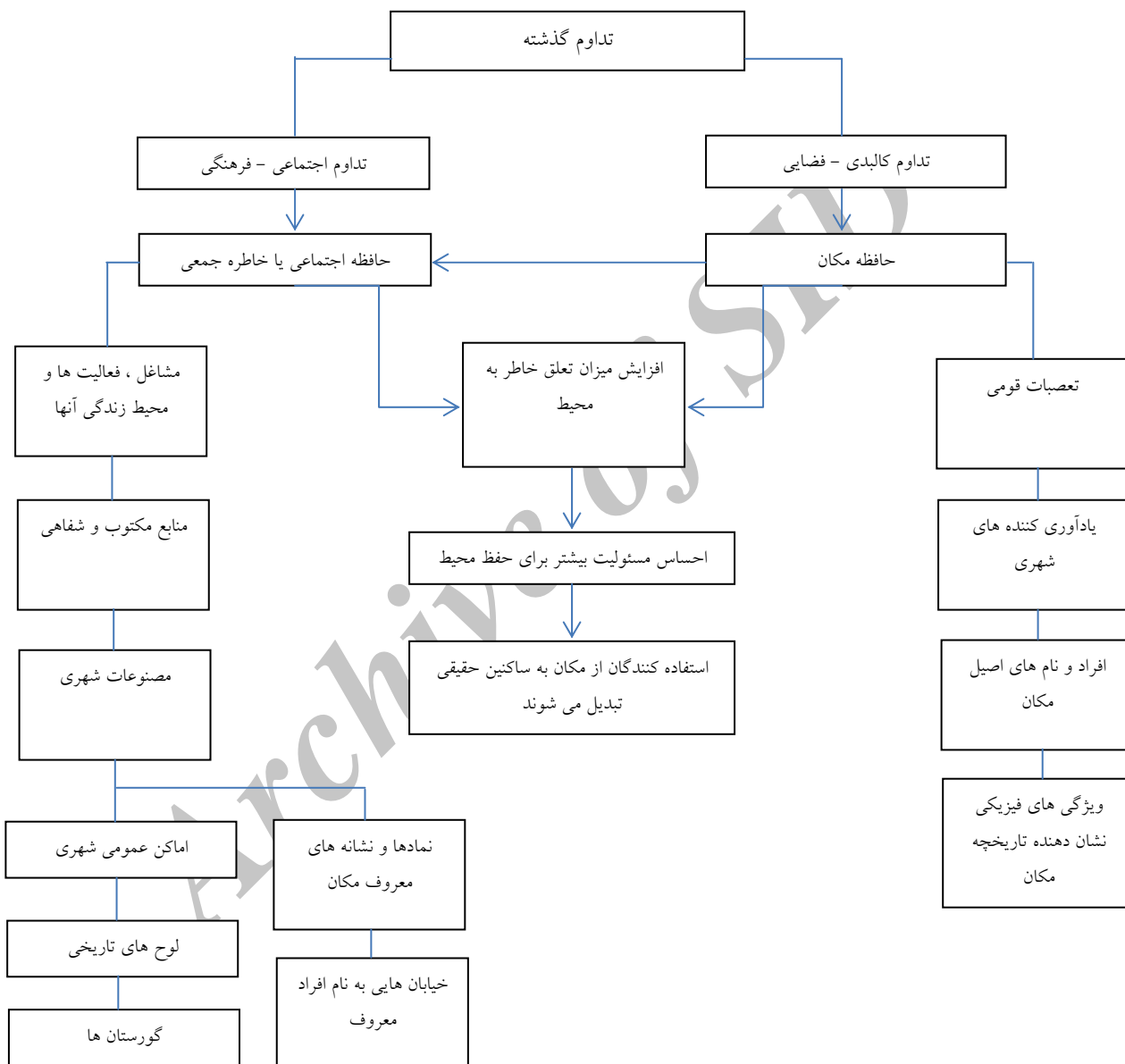
نیاز به احیای محلات و بازسازی آن‌ها به‌صورتی که عناصر هویتی خود را بازبند نیازی حیاتی برای بازسازی هویت فردی و جمعی بازماندگان آن محلات شهری است. به همین دلیل مشاهده می‌شود که پس از وقوع زلزله، بازماندگان بیش از گذشته احساس تعلق خود را به خانه و محله خویش ابراز می‌کنند.

تدوین استراتژی‌های در برخورد با بازسازی پس از سانحه

در تدوین استراتژی‌های برخورد با بازسازی پس از سانحه با رویکرد باززنده‌سازی خاطرات جمعی می‌توان از دو جنبه به این موضوع توجه کرد، اول اینکه مکان خاطره قابل ارجاع بوده و می‌توان به حفاظت، تعمیر و مرمت کالبد خاطره انگیز پرداخت و به اتخاذ سیاست‌هایی برای تقویت سایر ابعاد مکان نیز توجه نمود. جنبه دوم مکان خاطره کاملاً تخریب شده و از بین رفته است، یا به عبارت دیگر، وضعیت عدم قابلیت ارجاع به مکان به‌وجود می‌آید. در نتیجه در این دو حالت از دو رویکرد متفاوت می‌توان استفاده نمود:

۱. مرمت و تأکید بر کالبد خاطره‌انگیز از طریق خوانا کردن آن.
۲. بازنمایی از طریق خلق نشانه‌ها و قابل ادراک کردن حافظه جمعی به‌عنوان پیامی برای شهروندان.
(Hosseini.Koomleh, 2009, 11).

۳. در هر دو مورد بالا تلفیق استراتژی‌های کالبدی با برنامه‌ریزی رویدادی^{۱۹} که می‌تواند از طریق مراسم و جشن‌های ملی و مذهبی و نماد گرایی آن‌ها، وسیله‌ای با اهمیت برای انتقال خاطره جمعی به‌شمار رود، ضروری است.



ن ۲. چهارچوب نظری پژوهش.

دیده بود که از این تعداد ۲۱/۸ درصد با خاک یکسان گشته و به خاکریز تبدیل شده بود و با تداوم جنگ تحمیلی تا سال ۱۳۶۷ و برقراری آتش بس در سال ۱۳۶۸ میزان تخریب واحدهای مسکونی در خرمشهر به شدت افزایش یافت. همین روند تخریب نیز بر اثر جنگ و فرسایش در شهر آبادان نیز وجود داشت. (مطوف، ۸۳، ۸۸)

گسترده‌گی میزان تخریب و حماسه دفاع از خرمشهر و آبادان ضمن جلب توجه مسئولین و برنامه‌ریزان به بازسازی خرمشهر، فرصت مناسبی را برای طرح اندیشه‌های ایده آلیستی و مدرن فراهم کرد که در واقع مبتنی بر دیدگاه دوم در طرح‌های بازسازی پس از سانحه بود. طرحی که با عجله زیاد و بدون انجام مطالعات لازم پیشنهادهای بسیار عجولانه ای را برای بازسازی شهر ارائه کرد؛ چنانکه در این طرح ادعا شده بود که تخریب شهر به گونه‌ای است که حدود مالکیت‌ها مخدوش شده و به همین دلیل باید شهر جدیدی به جای خرمشهر در کنار شهر فعلی ساخته شود.

در نهایت این طرح ضربتی رد شد و در عوض آن طرح دیگری برای بازسازی خرمشهر تدوین گشت که بازهم روند برنامه‌ریزی بازسازی آن بدون حضور مردم و با تسلط فکری طرفداران مدرنیستی صورت گرفت.

البته استفاده از این دیدگاه‌ها که بر ضرورت استفاده از فرصت‌هایی که جنگ و تخریب پیش آورده تأکید می‌کرد؛ فقط مختص نمونه‌های ایرانی نبود. چنانکه در فرانسه نیز بعد از جنگ جهانی دوم پروژه‌های بازسازی براساس تفکرات مدرنیستی شکل گرفت. اصولی همچون نفی ارزش‌های گذشته، از میان بردن کلیه بافت‌های شهری گذشته و غیره. (همان، ۸۹) تبعیت از طرح‌های مدرنیستی در حقیقت به معنی نادیده گرفتن تمایزها و تداوم‌های مکانی بوده است.

براساس نظریات مطرح شده توسط هالبواکس در خصوص خاطرات جمعی یا حافظه اجتماعی، مشاهده کردیم که برای به یاد آوردن خاطرات از نقاط مرجع زمانی و مکانی استفاده می‌شود؛ در نتیجه حفظ حافظه مکانی^{۲۰} و وقایع و تجربیات شکل گرفته در آن مهم‌ترین فاکتور در باززنده سازی خاطرات در پروژه‌های بازسازی خواهد بود.

در نتیجه در جدول شماره ۲ استراتژی‌های مربوط به بازسازی پس از زلزله با رویکرد باززنده‌سازی خاطرات جمعی بیان شده است.

| | |
|--------------------------------------|---------------------------------------------------------|
| ابعاد مکان | استراتژی‌های بازسازی با رویکرد باززنده‌سازی خاطرات جمعی |
| فرم (کالبد طبیعی و مصنوع) تصویر ذهنی | حفاظت و مرمت |
| | بازنمایی |
| فعالیت تصویر ذهنی | برنامه‌ریزی رویدادی |

ج ۲. استراتژی‌های بازسازی با رویکرد باززنده سازی خاطرات جمعی.

دغدغه هویت و حافظه مکان در پروژه‌های بازسازی در ایران و جهان (بررسی دیدگاه‌ها) نمونه خرمشهر

پس از آزادی خرمشهر در سوم خرداد ماه سال ۱۳۶۱ تعداد ۱۹۳۰۳ واحد مسکونی در این شهر آسیب

هدف طرح جدید تنها مدرن کردن شهر جدید و بهبود حمل و نقل و خیابان هایی بود که برای گسترش آینده پیش بینی شده بود، اما این گسترش هرگز اتفاق نیفتاد.

در نتیجه پس از زلزله همه مردم احساس کردند که دیگر همه چیز از بین رفته است چرا که هیچ پیوندی میان خانه ها و فضاهای شهری براساس فرهنگ ساکنین وجود نداشت.

این سختی تشخیص و شناخت روابط میان فضاهای خصوصی و جمعی در طرح جدید در نهایت منجر شد تا مردم بیش از پیش محیط اطراف خود را نادیده بگیرند؛ محیطی که نهایتاً گمنامی و پوسیدگی و خالی شدن از سکنه بر آن چیره گشت.



ت ۲. خیابان اصلی در طرح جدید (سیسیلی در غرب ایتالیا).

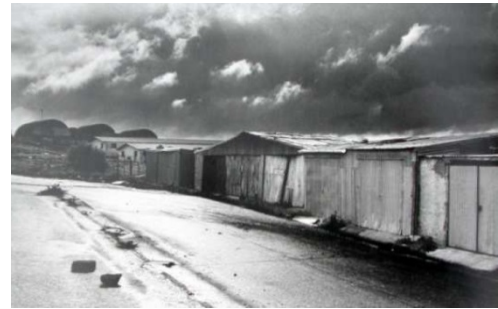
یکی از معضلات مهم در این بازسازی ها ، عدم توجه به ویژگی های مکانی هویت ساز بوده است. به عبارتی مطالعات بررسی شده در این مناطق زلزله زده، درس مهمی را نشان می دهد که تأکید بر مورفولوژی اجتماعی شهرها و روستاها است که در نهایت معنای مکانها را بیان کرده و تصمیم می گیرد که چه چیزهایی برای بازسازی ها در درجه اول اهمیت دارد. (Ibid: 1-15)

نمونه سیسیلی^{۲۱} در ایتالیا

نمونه دیگر پروژه بازسازی انجام شده در سیسیلی در غرب ایتالیا است که در سال ۱۹۶۸ رخ داد. زلزله ای که نتیجه آن ۳۰۰ نفر کشته ، هزاران زخمی و بی خانمان و ویران شدن ده ها شهر و روستا بود. در این زمان نیز در روزنامه های محلی موضوعاتی پیرامون چگونگی انجام بازسازی ها در گرفت که با سؤالات زیر آغاز شده بود:

آیا بهتر است شهری جدید بسازیم و یا روستاها را همانطور که در ابتدای امر وجود داشتند بازسازی کنیم؟ لزوم اهمیت بخشیدن به خانه ها، یادمان ها و زیر ساخت های کنونی چیست؟

بازسازی ها در این منطقه از ایتالیا نیز در نهایت با ساخت خانه ها و فضاهای شهری جدید آغاز گشت و این در حالی بود که مردمی که در زمان بازسازی ها در کانکس ها زندگی موقتی داشتند با خاطرات روستای قدیمی خود ، رویای شهرهای در حال ساخت و واقعیت های زندگی روزانه خود در داخل کانکس ها را از بین می بردند.



ت ۱. کانکس ها برای اقامت ساکنین (سیسیلی در غرب ایتالیا).

زمانی که مردم به شهرهای جدید وارد شدند ، شوک بزرگی به آنها وارد گشت ؛ چرا که مقیاس پروژه جدید از لحاظ تراکم و اندازه و روابط قدیمی میان فضاهای خصوصی و عمومی به کل تغییر یافته بود. (Rodeghiero, 2009, 1-15)

در این مناطق مشاهده شد که در مجاورت شهرهای جدید، مردم خانه‌ها، کار و چشم اندازه‌های پیشین خود را بازسازی کردند، حتی در مقیاس خانه‌ها نیز مردم شروع به انجام تغییراتی در جهت نیازهای روزانه خود کرده و پس از سال‌ها فضاهای باز شهری را براساس فرهنگ و اولویت‌های خود خلق کردند؛ همان طرح‌هایی که توسط طرح جدید رد شده بود.

به این علت که انسان‌ها طی زمان برای خود هویت مکانی قائل می‌شوند و این هویت مکانی خود تصویری مستقل در ذهن آن‌ها می‌سازد که اگر شرایط بیرونی که فرد در ارتباط با آن قرار می‌گیرد و تصویر ذهنی وی که در واقع سطح توقع او را نشان می‌دهد، یکسان نباشد شخص تلاش می‌کند از راه‌های مختلف این انطباق را به وجود آورد و سیستم ذهن خود و فضای بیرون را به تعادل برساند.

مطالعات در کشور یمن نیز، ۹ سال پس از وقوع زلزله نشان داد که اکثریت مردمی که برای پذیرش نوع زندگی جدید در شهرکهای تازه ساز برگزیده شده بودند به تدریج به نوع الگوهای سنتی خانه‌سازی خود بازگشتند که این امر در نهایت آن‌ها را در برابر حوادث آتی نیز آسیب‌پذیر نمود. (علیزمانی، ۸۳، ۱۱۱)

نتیجه بررسی این مطالعات نشان داد که اهداف این طرح با ایده‌های اولیه معماران و تصویر ذهنی جمعی ساکنان یا به نوعی حافظه جمعی آن‌ها یکی نبوده است و به علت اینکه بسیاری از طرح‌های با کیفیت بالا قابل درک توسط ساکنان نبوده است، توسط آنان نادیده گرفته شد چرا که زمانی که مشارکت شهروندان به نسبت نقش سایر تصمیم‌گیرندگان همچون معماران، تکنسین‌ها و ... نادیده گرفته شود، آن‌ها احساس غریبگی خواهند کرد.

(Rodeghiero, 2009, 1-15)

این مثال نشان داد زمانی که فرآیند بازسازی‌ها به تقویت روابط احساسی ساکنان با محیط بپردازد و آن را

برای حفظ محیط زندگی اشان مسئول بداند تنها در این حالت موفق خواهد شد تا استفاده‌کنندگان از محیط را به ساکنین حقیقی تبدیل نماید. این فرآیند در بازسازی‌ها نه فقط در یک مرز فیزیکی بلکه در تصاویر ذهنی جمعی و خاطرات جمعی ساکنان این اطمینان را به وجود می‌آورد که آن‌ه در نهایت در فضای زندگی خودشان شناخته می‌شوند.

در نتیجه می‌توان اینگونه گفت که بازسازی پس از سانحه تنها یک موضوع معماری نیست بلکه دوباره ساختن به معنای ارتباط میان مکان و ساکنان آن است و فرآیندی ترکیبی از معماری و علوم انسانی است به‌منظور هویت مندی مکانی. (Ibid: 1-15)

نمونه اصلی بررسی شده شهر بم

در مطالعات انجام شده پیرامون ابعاد مختلف مکان در شهر بم و بازسازی‌های انجام شده در آن نیز تفاوت‌های بسیاری در فضاهای شهری بازسازی شده با گذشته آن مشاهده می‌شود.

در این جا برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های مکانی و تصاویر ذهنی عمومی مردم از شهر و خانه بمی و خاطرات جمعی آنان بیان می‌شود.

شهر بم، مرکز شهرستان بم از جمله شهرهای بزرگ و مهم استان کرمان است که قدمت آن به دوره سامانی می‌رسد و از همان زمان به دلیل قرار گرفتن بر سر راه سیستان، افغانستان، هند و بلوچستان اهمیت سوق‌الجیشی و بازرگانی داشته است و ارگ بم نیز دست‌کم از سده چهارم هجری در آثار جغرافیایانویسان مدرن یاد شده است. (احمدزاده، ۸۵، ۲۲-۲۱)

برنامه بازسازی مناطق آسیب دیده بم، با توجه به نگرش دوم که بازسازی را فرصتی مناسب برای اندیشیدن به توسعه منطقه سانحه دیده و رفع نواقص و نارسایی‌های گذشته می‌داند تنظیم گردید؛ به‌عنوان مثال

در زندگی محلی بم، کوچه بستری طویل برای تعاملات اجتماعی و برقراری روابط همسایگی بوده است و بر خلاف ساختار شهرهای سنتی مناطق کویری ایران، باغ-کوچه بمی و نقاط عطف آن جایگزین مناسبی برای مراکز محله شهری بوده است. تا پیش از زلزله، امامزاده اسیری و امامزاده زید از مکان‌های عمده جاذب جمعیت شهر بوده است.

در محلات مسکونی شهر بم به جز مسجد که فضایی اجتماعی-مذهبی برای ایام و مناسبت‌های مختلف می‌باشند، نقاط عطف و گشودگی‌های مسیر باغ-کوچه‌ها، مکان گردهمایی‌های کودکان و خانم‌ها بودند. (عینی فر، ۸۳، ۳۲)



ت ۴. نمونه‌ای از بناهای جدید پس از زلزله در بم.



ت ۵. نمونه‌ای از بناهای جدید پس از زلزله در بم.

هدف بازسازی مسکن آسیب دیده در این برنامه چنین بیان شده بود:

"بازسازی و نوسازی واحدهای مسکونی و تجاری آسیب دیده شهرها و روستاها، متأثر از زلزله بم در راستای برنامه‌های توسعه منطقه و در چهارچوب توانایی‌های ملی و مردمی و متناسب با ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها، به‌منظور احیای کالبدی حیات شهرها و روستاهای شهرستان بم." (علیزمانی، ۸۳، ۱۱۲)

متأسفانه در روند بازسازی‌ها در شهر بم توجه خاصی به عوامل هویت طبیعی شهر (همچون درختان بابونه‌ای که مانند چتری خیابان‌های شهر را پوشانده بود و نخلستان‌هایی که در اثر عدم آبیاری خشک شده‌اند)، نشده است.



ت ۳. نخلهای خشکیده بم (پس از زلزله).

در واقع درخت نخل عنصر اصلی هویت طبیعی شهر بم بوده و ادامه حیات آن نمادی از زندگی در بم است. در واقع مشاهده می‌شود هدف بیان شده تنها بر حیات کالبدی شهرها اشاره شده است و تعداد زیادی از بازسازی‌های انجام گرفته در این شهر همچون مدارس و که توسط سایر کشورها انجام شده ارتباطی با هویت بمی نداشته است و نتیجه آن حضور بناهای مختلف با سبک‌های مختلف معماری است.

شهروندان را کم رنگ تر نمی‌کند، بلکه هر بار خاطرات گذشته را برای بازماندگان این فاجعه بازآفرینی می‌نماید، در حالی که به نظر می‌رسد یکی از مهم ترین اقدامات در مناطق سانحه دیده، تلاش برای از بین بردن خاطره دردناک سانحه و تلاش در جهت تقویت و بازخوانی خاطرات هویت ساز گذشته شهر است.



ت ۶. آوارهای باقی مانده از زلزله بم.

به طور کلی اینگونه به نظر می‌رسد که بهتر بود در بازسازی شهر بم توجه بیشتری به تقویت عناصر هویتی طبیعی و مصنوع در مقیاس محلی و شهر می‌شد و تمامی این تغییرات با استفاده از فرم‌ها، رنگ‌ها و مصالح بومی منطقه انجام می‌گرفت.

در واقع شناخت عوامل معرف معنای مکان و هویت مکانی در مقیاس‌های مختلف در این شهر پیش از شروع بازسازی، به احیای تصویر ذهنی از شهر پیش از زلزله و احیای نمادها و نشانه‌های فرهنگی آن کمک به‌سزایی می‌نمود.

در مقابل این پروژه، بازسازی‌های انجام شده در شهر ورشو و سیاست‌های بازسازی شهر لندن پس از جنگ جهانی دوم را می‌توان نام برد که کاملاً مبتنی بر دیدگاه اول انجام گرفته و در بازسازی‌ها سعی شده است که کالبد شهر دقیقاً به حالت پیش از وقوع جنگ بازگردد. با انجام مقایسه‌ای میان پروژه‌های بازسازی انجام گرفته در ایران و سایر کشورها ملاحظه می‌شود که عموماً

اینگونه به نظر می‌رسد که اماکن مذهبی پس از زلزله در شهر بم، مهم ترین قرارگاه‌ها به‌عنوان جاذب جمعیت و مکان‌های حافظه جمعی و از عناصر هویت بخش شهر می‌باشند که باید به آن‌ها توجه بیشتری شود؛ گواه این ادعا جمعیت کثیری است که هر روز برای نیایش و دعا به سمت امام زاده‌ای در منطقه تاریخی بم می‌روند.

با توجه به از بین رفتن جمعیت وسیعی از مردم شهر بم، شهر به ناگهان دچار خلاء جمعیتی عظیمی شده و با سرازیر شدن ناگهانی مردم غیر بومی این شهر تعادل گذشته خود را از دست داد که منجر به دگرگونی فرهنگ بومی منطقه شد؛ از لحاظ اجتماعی نیز مهاجرت از روستاهای اطراف به شهر و تمرکز مهاجران در حاشیه شهر موجب پیدایش جدایی اجتماعی و مکانی در بم شده است. لذا به نظر می‌رسد حضور افرادی که مردم بم آن‌ها را غریبه‌ها می‌نامند، تبعات بسیاری داشته که از آن جمله می‌توان به خدشه دار شدن هویت اجتماعی شهر اشاره کرد، زیرا افرادی که با یکدیگر خاطرات مشترکی را تجربه کرده‌اند از بین رفته‌اند و غریبه‌ها با تجربیات و خاطرات متفاوت جایگزین آن‌ها در مکان‌های جمعی شان شده‌اند.

از این رو اکثر مردم با توجه به تغییرات رخ داده، معتقدند که آسیب‌های وارد شده، باعث ضعف ارتباطات اجتماعی آنان گردیده و یکی از مهم ترین عوامل را عدم مشارکت مردمی به‌عنوان یکی از گسست‌های مهم در شبکه روابط اجتماعی می‌دانند. (احمدزاده، ۸۹-۸۵، ۹۳)

همانطور که در جدول شماره ۳ و تصویر شماره ۶ مشاهده می‌شود یکی از نمونه کارهای انجام شده در بم ساخت المانی می‌باشد که از طریق قرار دادن آوارهای باقیمانده از زلزله در جوار بهشت زهرا شهر بم ایجاد شده است که نه تنها حافظه دردناک ناشی از زلزله برای

یادبود سربازان ویتنام

این یادبود در تفرجگاه ملی آمریکا در واشنگتن قرار گرفته که مکانی است برای یادآوری قهرمانان آمریکایی و محلی برای اجتماع عموم مردم و برگزاری جشن‌های آزادی. یادبود سربازان ویتنام متشکل از بخش‌های متفاوتی همچون دیواری از نام‌ها، مجسمه سه سرباز، پرچم و یادبود زنان ویتنام است. این یادبود مکانی است که در آن تمامی افراد، صرف نظر از افکارشان می‌توانند گرد هم آیند تا کسانی را که در جنگ حضور داشته‌اند به یاد آورند و به آنان افتخار کنند. این طرح دارای بسیاری از عناصر سنتی موجود در یادبود جنگ مانند نوشته‌های میهن پرستانه، مجسمه، پرچم و عناصر فیگوراتیو می‌باشد که با هدف بازخوانی خاطرات جمعی طراحی شده‌اند.



ت ۷. یادبود سربازان ویتنام.



ت ۸. یادبود سربازان ویتنام.

بازسازی‌ها بر پایه دیدگاه‌های بیان شده شکل گرفته‌اند که در ابتدا به آن‌ها اشاره شد و در هیچ کدام از نمونه‌های اشاره شده استراتژی‌های مربوط به حفظ خاطرات جمعی به کار گرفته نشده است و اصولاً مباحثی همچون پیوندهای احساسی با محیط که در اثر وقوع بلایا و حوادث به شدت در ابعاد روانی ساکنان تأثیر گذار است نادیده گرفته شده و در بهترین نمونه‌ها نیز بیشترین تمرکز بر ابعاد کالبدی شهرها بدون توجه به معنای حاصل از آن و نقش هویتی و خاطره‌ای آن معطوف بوده است. نکته قابل توجه این است که این رویکرد در مرمت بافت‌های فرسوده و بازسازی در مراکز شهرها بیشتر به کار گرفته می‌شود؛ نمونه‌ای از این پروژه‌ها، بازسازی مرکز شهر برونوزویل^{۲۲} در شیکاگو است که در سال ۱۹۹۴ با هدف بازسازی منطقه براساس تاریخ و حافظه جمعی از طریق نژاد و فرهنگ، آغاز شده بود و منجر به افزایش "حس وابستگی" و "انسجام اجتماعی" و دستیابی به اهداف افزایش مشارکت در این شهر شده است. در نهایت تجربه استفاده از مفهوم حافظه جمعی در برونوزویل موفق به تشکیل تصویر ذهنی در اذهان شهروندان گردید.

نمونه‌های بازخوانی خاطرات جمعی

پس از بررسی نمونه بازسازی‌های انجام گرفته که پیش از این به آن‌ها اشاره شد، به پروژه‌هایی می‌پردازیم که با هدف بازسازی خاطرات جمعی پس از جنگ‌ها طراحی شده‌اند که از آن جمله می‌توان یادبود سربازان ویتنام و یا یادبود یهودیان اروپا را ذکر کرد.

این پروژه‌ها با رویکرد بازنمایی، از طریق خلق نشانه‌ها به ساخت خاطره جمعی پرداخته و به عبارتی برساخت حافظه جمعی به صورت پیامی برای شهروندان می‌پردازند.

معانی مرتبط بر آن است تا در نتیجه آن احساس تعلق به مکان، معنا پیدا کرده و مکان هویت یافته و رابطه مردم با گذشته شهر به نحوی ملموس برقرار گردد. خاطره جمعی برنامه‌ای فرهنگی و فرآیندی اتحاد بخش است که با علایق و نیازهای در حال تغییر جامعه هماهنگ می‌شود و امری است که توضیح دهنده دوام در عین تغییر است.

در حقیقت هر دو نمونه به نوعی با هدف ساخت حافظه و هویت جمعی جهت بهره‌برداری از آن‌ها در شرایطی طراحی شده‌اند که از روند طبیعی و تاریخی اجتماع خارج شده‌اند و طراحان کوشیده‌اند تا آن‌ها را دوباره به جامعه بازگردانده و در راستای ساخت مورد نظر خود به حیات جمعی جامعه وارد کنند.

| نمونه | | استراتژی‌های بازسازی با رویکرد باززنده سازی خاطرات جمعی در بم | |
|---------------------------------------------|-------|---------------------------------------------------------------|---------------------|
| نخلستان ها _ درختان بابونه | طبیعی | فرم (کالبد) | حفاظت و مرمت |
| بازار بم _ ارگ بم | مصنوع | تصویر ذهنی | بازنمایی |
| المان ساخته شده در بهشت زهرای بم | | فعالیت و تصویر ذهنی | برنامه ریزی رویدادی |
| آیین ها و مراسم سنتی _ ورزش های بومی و محلی | | | |

ج ۳. استراتژی‌های بازسازی با رویکرد باززنده سازی خاطرات جمعی در بم.

نتیجه

از سوی دیگر بررسی تجربیات نشان داد که توجه به خاطرات و حافظه مکان نتایج اثربخشی هم در مراکز تاریخی و هم در نمونه‌های برساختی داشته است. اساساً در مواردی که منافع بارزی در هدایت جامعه به سوی هدف مورد نظری وجود داشته است این استراتژی یکی از موفق ترین استراتژی‌ها بوده است.

در نتیجه اهمیت بخشیدن به استراتژی‌های مربوط به خاطره جمعی، در راستای بازسازی با رویکردی که در فصل مشترکی از تداوم و تغییر و توسعه قرار می‌گیرد، می‌تواند نتایج مطلوبی همچون حفظ هویت مکان‌های

بافت شهری تنها در سازمان کالبدی آن خلاصه نمی‌شود و آنچه در این بافت‌ها معنی دارد، ارزش‌های فضایی است که نسل‌ها با رفتارهای اجتماعی - فرهنگی خویش به آن تبلور بخشیده‌اند.

تجربه شهر بسیار ارزشمند است، بنابراین بازسازی پس از سانحه امری است همه جانبه و چندسویه که نمی‌تواند تنها به تغییرات کالبدی خلاصه گردد، چنانکه ملاحظه شد امروزه در پروژه‌های بازسازی عملاً تنها به ساماندهی سازمان فضایی - کالبدی می‌اندیشد، حال آنکه آنچه در واقع باید مدنظر باشد، کالبد به همراه

منابع

- میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۸)، معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر (مطالعه موردی تهران)، مجله هنرهای زیبا، شماره ۳۷.
- مطوف، شریف. (۱۳۸۳)، تحلیل روند بازسازی آبادان و خرمشهر از دیدگاه‌های نظری، مجله باغ نظر، شماره اول، صفحه ۹۲.
- فلاحی، علیرضا. (۱۳۸۴)، درآمدی بر مقولات اساسی بازسازی (تصورات نادرست و واقعیت‌ها)، دوفصلنامه صفا، شماره ۴۰، صفحه ۸۰-۹۹.
- فلاحی، علیرضا. (۱۳۸۲)، زلزله بم، مروری بر فرآیند عملیات امداد و اسکان موقت، دوفصلنامه صفا، شماره ۳۷، صفحه ۷-۲۳.
- مطوف، شریف. (۱۳۸۶)، بحران هویت و تشدید آن در زندگی اردوگاهی پس از زلزله بم، مجله باغ نظر، شماره ۸، صفحات ۷۷-۷۸.
- علیزمانی، محمد. (۱۳۸۳)، رویکرد بازسازی همراه با توسعه در بم؛ مجموعه مقالات کارگاه تخصصی تدوین منشور توسعه پایدار بم، صفحات ۱۱۰-۱۱۴.
- اکرمی، غلامرضا. (۱۳۸۳)، طراحی و بازسازی روستاهای بم با نگاه توسعه پایدار؛ مجموعه مقالات کارگاه تخصصی تدوین منشور توسعه پایدار بم، صفحه ۶۷.
- عینی فر، علیرضا؛ تدوین مدل نظری برای توسعه پایدار بم؛ مجموعه مقالات کارگاه تخصصی تدوین منشور توسعه پایدار بم، صفحات ۳۰-۳۶.
- Relph, E. (2007), *Prospects for places: The urban design reader*, Michael Larice and Elizabeth Macdonald Ed, Rutledge.120.
- Hague, C. (2005). *Planning and place identity: Place Identity, Participation and Planning*, Cliff Hague and Paul Jenkins (Eds.), Rutledge.5
- Carmona, M. (2006). *Public Places*, Architectural Press, Elsevier, Oxford.97
- Montgomery, J. (1998). "Making a city: urbanity, vitality and urban design", *Journal of Urban Design*, vol.3.95-96.
- Misztal, B (2003). "Theories of Social Remembering", Open University Press, Miadenhead.Philadelphia.50.
- Paez, Dario, Besabe, Nekane, & Gonzalez, Jose Luis(1997), "Social Processes and Collective Memory Cross-Cultural Approach to Remembering

بازسازی شده، حفظ سرچشمه‌ها و اصالت‌ها، بالا رفتن میزان همبستگی اجتماعی در جامعه، ایجاد حس روشنی از گذشته و تقویت میزان تعلق خاطر به محیط را در مکان‌های بازسازی شده به ارمغان آورد.

خاطره جمعی چهارچوبی خواهد بود برای معنا به واسطه ابقاء و تضمین ثبات و هویت جامعه و هم چهارچوبی که امکان تطبیق با تغییرات اجتماعی را فراهم می‌کند.

در واقع اگر هدف از بازسازی احیاء و بهبود وضعیت فرهنگی، اقتصادی، افزایش منابع انسانی و ارتقای سطح حیات و حفظ هویت مناطق سوانحه دیده است، یکی از مهم‌ترین نکات در راستای نیل به این اهداف، تداوم گذشته است که به نظر می‌رسد کارآمدترین استراتژی در این خصوص، استراتژی‌های مربوط به بازسازی خاطرات جمعی است که در عین تغییرات، تداوم گذشته در دل خود را به ارمغان بیاورد.

پی نوشت

1. Place
2. Meaning
3. Space
4. Activity
5. Image
6. Form
7. Identity of Place
8. Place Identity
9. Benedict Anderson (1991)
10. Peter Novik (1999)
11. See also: (Kattago 2001, Kammen 1991, Gillis 1994, Bonder 1992)
12. Remembrance
13. Collective memory
14. Memory
15. www.loghatnameh.org
16. Social Framework of Memory
17. Maurice Halbwachs
18. Place memory
19. Event planning
20. Place memory
21. Sicily
22. Bronzeville

Political Events: Collective Memory of Political Events, Social Psychological Perspectives, James W. Penne baker, Dario Paez & Bernard Rime (Eds), Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.152.

- Halbwachs, M. (1950), *La mémoire collective et l'espace in : La mémoire collective*.page :83-105

http://classiques.uqac.ca/classiques/Halbwachs_maurice/memoire_collective/memoire_collective.pdf

- Lewicka, M. (2008).”Place Attachment, Place Identity, and Place Memory: Restoring the Forgotten City Past. *Journal of Environmental Psychology*.doi:10.1016/j.jenvp.2008.02.001, 1-23.

- Reyes, Mitchell.G, (2010)”*Memory and Alterity: The Case for Analytic and Difference.*” *Journal of Philosophy and Rhetoric*, Vol.43, No3.

- Rodeghiero.B. (2009).”*Rebuilding the Housing, City Life after a Disaster.*” In: An international conference on globalism and urban change.www.cityfutures2009.com

- Hosseini.Koomleh, M. Sotudeh Alambaz, F. (2009). “*Methods and Techniques in use of Collective Memory for Increasing Sustainability of Urban Environmental*” in: “*Second International Conferences on whole life urban Sustainability and its Assessment.*” <http://www.sue-mot.org/conference-files/2009/restricted/proceedings.pdf>.

- <http://www.worldtourist.us/nationalmall/memorial.html>